

# اصول و ویژگیهای مردم سالاری دینی

سید حسین اسحاقی

اشاره:

در بخش نخست این مقاله، اشاره-  
ای به دو دیدگاه در مورد جایگاه مردم  
در نظام اسلامی داشتیم و سپس  
«دموکراسی» و «مردم سالاری» را  
تعریف کردیم. پس از آن، بحث اصول  
و شاخصه‌های مردم سالاری دینی را  
 مطرح کردیم و یکی از آن اصول را -  
که اصل خدا محوری بود - توضیح  
دادیم. اینک ادامه بحث را پی می-  
گیریم.

مشارکت عامه مردم در تعیین  
سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی  
و فرهنگی خویش در یک نظام مردم  
سالاری دینی، امری اساسی است؛ زیرا  
خداوند حاکم بر هستی، انسان را بر  
سرنوشت خویش حاکم کرده است. از  
این رو، امور کشور در چنین نظامی،  
تنها به اتکای آرای عمومی مردم  
مسلمان اداره می‌شود. اراده عمومی در  
پروژه انتخابات و با انتخاب مستقیم و  
غیر مستقیم رهبری، رئیس جمهوری،  
نمایندگان مجلس شورای اسلامی،

۲. مشارکت مردمی

اعضای شوراهای اسلامی و... تحقق می‌یابد و هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا آن را در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد.<sup>۱</sup>

مردم در جامعه اسلامی باید از چنان رشدی برخوردار باشند که زمینه لازم برای حضور عاقلانه و مقتدرانه آنان در عرصه‌های مختلف فراهم آید. اگر در جامعه‌ای مردم از دخالت در امور باز داشته شوند، به تدریج زمینه پیدایش استبداد فراهم می‌آید.

یکی از مهم‌ترین مصادیق مشارکت فعال مردم در عرصه‌های مختلف، آزادی انتخاب و رأی آنان می‌باشد؛ چنان که پس از رأی و بیعت مردم با امیرمؤمنان - علیه السلام -، آن حضرت به سعد بن ابی وقاص فرمودند:

«مردم با من بیعت کردند، تو نیز بیعت کن! او گفت: پس از آنکه همه بیعت کردند، من بیعت می‌کنم. امام

۱. قانون اساسی، اصول ۳، ۶ و ۷.

فرمودند: از نظر من بر تو باکی نیست. سپس به مردم فرمودند: راهش را باز کنید.»<sup>۲</sup>

### ۳. قانون محوری و قانون مداری

اصل عمل به قانون و رعایت حدود، امری عقلایی است. دین اسلام رعایت قوانین شرعی و عمل به آنها را از واجبات می‌داند و همگان را به دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی فرا می‌خواند. مقام معظم رهبری نیز یکی از اصول مردم‌سالاری دینی را قانون محوری بیان می‌کنند. ایشان تحقق همه فضائل، آرمانها و اهداف را در سایه قانون و عدالت می‌دانند و عدالت را نیز تنها در صورت استقرار قانون ممکن می‌شمارند.<sup>۳</sup>

اصولا در نظام اسلامی، قانون مظهر حق و عدل است و مأموریت آن استقرار عدالت اجتماعی و تعمیم آزادی

۲. انساب الاشراف، احمد بن یحیی البلاذری، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، صص ۸ - ۹.

۳. ر. ک: روزنامه کیهان، ۲۹/۸/۷۹.

و تضمین حقوق آحاد ملت است؛ چنان که رهبر انقلاب می‌فرماید:

«در نظام اسلامی باید همه افراد جامعه در برابر قانون و استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی، یکسان و در بهره‌مندی از مواهب حیات، متعادل باشند. هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ کس نتواند بر خلاف قانون، میل و اراده خود را به دیگران تحمیل کند.»<sup>۱</sup>

#### ۴. شایسته سالاری

بر اساس این دیدگاه، عادل‌ترین، آگاه‌ترین، باتقواترین و باتسبیبرترین افراد به سمت کارگزاری حکومت اسلامی گمارده می‌شوند. در رأس کارگزاران، حاکم اسلامی قرار دارد که باید همه این ویژگیها را در حد بالا داشته باشد. تشخیص این امر نیز پس از انتخاب مردمی، توسط خیرگان رهبری انجام می‌گیرد.

رهبری در نظام مردم سالار دینی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از این

رو، در صورتی که از عدالت و تقوا برای رهبری امت اسلام بهره‌مند باشد و دارای بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی و نیز بهره‌مند از صلاحیت علمی لازم برای فتوا دادن باشد، مستقیم یا غیر مستقیم از سوی خبرگان و نخبگانی که مردم بر می‌گزینند، انتخاب می‌شود.

رهبری معظم انقلاب در این باره فرمودند: «حاکم دارای دو رکن و دو پایه است: رکن اول، آمیخته بودن و آراسته بودن به ملاکها و صفاتی که اسلام برای حاکم معین کرده است، مانند: دانش، تقوا و توانایی و تعهد... رکن دوم، قبول مردم و پذیرش مردم است.»<sup>۲</sup>

#### ۵. ارتقاء آگاهی

اگر عنصر اصلی مردم سالاری (انتخاب و تجلی اراده مردم در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی - اجتماعی) بر

۲. مقام معظم رهبری، روزنامه اطلاعات،

پایه معرفت و شناخت کافی نباشد، محتوای مردم سالاری دینی رعایت نشده است. به همین جهت، باید آگاهی و معرفت کافی در خصوص اهداف مردم سالاری و عنوانهای مورد نظر برای انتخاب شدن وجود داشته باشد و رفتارهای انتخابی نیز بر همان اساس، سامان پذیرد؛ حتی تکلیف و وظیفه که در مشارکت مردمی وجود دارد، منوط به شناخت است و بدون شناختن، دانستن و خواستن، تکلیفی در این زمینه محقق نمی‌شود.<sup>۱</sup>

حکومت بر آمده از دین، به بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده درست از مطبوعات و رسانه‌های گروهی اهتمام دارد و آموزش و پرورش را در همه سطوح تعمیم می‌بخشد و دست‌یابی به آن را بر همگان آسان می‌سازد.

همچنین در جهت تقویت روح پژوهش، تبیع و ابتکار در تمام بسترهای علمی، فرهنگی و اسلامی از

طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان، گام بر می‌دارد؛ زیرا بدون ارتقاء آگاهی همگانی نیل به توسعه همه جانبه میسر نیست. به همین دلیل، دولت در یک نظام مردم سالار دینی، موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه مردم تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی گسترش دهد.<sup>۲</sup>

در نظام ولایی، مردم حق دارند از مسائل حکومتی کاملاً آگاه باشند و حکومت موظف است آنان را در جریان امور بگذارد، مگر در مسائل محرمانه‌ای که افشای آنها مصالح ملی و عمومی را به خطر می‌اندازد.

حضرت امیر - علیه السلام - در سخنی، وضع حکومت را چنان ترسیم می‌کنند که گویی شخص حاکم و برنامه‌ها و کارهای حکومتی، به جز اسرار جنگی، باید در معرض دید و نظارت مردم باشد: «أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عَشْدِي

۱. در مکتب جمعه، ج ۷، صص ۳ - ۴.

۲. قانون اساسی، اصول ۳، ۳۰، ۴۳.

أَنْ لَا أُحْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ؛<sup>۱</sup>  
بدانید حق شماست بر من که چیزی را  
از شما نپوشانم، جز راز جنگ را.»

همچنین به فرماندار مکه نوشتند:  
«وَلَا يَكُنْ لَكَ إِلَى النَّاسِ سَفِيرٌ إِلَّا  
لِسَانِكَ وَلَا حَاجِبٌ إِلَّا وَجْهَكَ وَلَا  
تُحْجَبَنَّ ذَا حَاجَةٍ عَنَّا لِقَائِكَ بِهَا؛<sup>۲</sup>

بین تو و مردم هیچ واسطه‌ای  
نباشد، مگر زبانت و پرده‌ای نباشد، مگر  
صورتت و مبادا نیازمندی را از ملاقات  
با خود منع کنی!»

### ۶. آزادی در انتخاب رهبری

ادیان الهی به ویژه اسلام، برای  
رهانیدن و آزادسازی انسان و بشر از  
قید و بندهای استبداد و استعمار در دو  
بعد داخلی و خارجی، پا به عرصه  
حیات گذارده‌اند. بنابراین، طبیعی است  
که حکومت مردم سالاری دینی به  
تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی  
مردم، بسیار اهمیت دهد و با نشر آزاد

۱. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی،

نامه ۵۰، ص ۳۲۳.

۲. همان، نامه ۶۷.

مطالب در مطبوعات و تبلیغات (در  
صورت عدم مباحث و عدم تناقی با  
مبانی دین اسلام و حقوق عمومی)  
مخالفت نداشته باشد و حتی گروه‌های  
سیاسی، انجمنهای صنفی و اقلیتهای  
مذهبی را - مشروط به رعایت استقلال،  
آزادی و وحدت ملی - در عقائد خود  
آزاد بگذارد و در عرصه اقتصادی نیز  
به هر کس، آزادی انتخاب شغل دهد و  
با مجبور کردن افراد به پذیرفتن کاری  
مشخص مخالفت ورزد.<sup>۳</sup>

در بینش دینی، انسان موجودی آزاد  
و مختار است و حق تعیین سرنوشت  
خود را دارد و می‌تواند رهبری شایسته  
و کارآمد برای خود انتخاب کند. به  
اعتقاد شیعه، پیامبر و امام باید معصوم  
بوده، از گناه، خطا و اشتباه مصون باشد  
و تعیین پیامبر و امام باید از طرف خدا  
باشد؛ زیرا جز خدا کسی نمی‌داند  
معصوم کیست.

از دیدگاه ولایت انتصابی،  
مشروعیت حکومت ولی فقیه نیز ناشی

۳. قانون اساسی، اصول ۳، ۸، ۱۴، ۳۰.

از نصب عام امامان - علیهم السلام - است و مردم در تفویض ولایت به او هیچ گونه اختیاری ندارند؛ اما در کارآمدی حکومت نقش اصلی را دارند. بیعت گرفتن پیامبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - و امامان - علیهم السلام - از مردم نیز برای کارآمد کردن ولایتشان می‌باشد، نه برای انتصاب آنان. در نامه امیرمؤمنان - علیه السلام - به شیعیان آمده است:

« وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - عَهْدَ إِلَىَّ عَهْدًا فَقَالَ يَأْبُنَ أَبِي طَالِبٍ لَكَ وِلَايَةُ أُمَّتِي، فَإِنْ وُلِّوْكَ فِي عَافِيَةٍ وَاجْتَمَعُوا عَلَيْكَ بِالرِّضَا فَقُمْ بِأَمْرِهِمْ وَإِنْ اخْتَلَفُوا عَلَيْكَ فَدَعُهُمْ؛ بِپیامبر به من سفارش کرد ولایت امت من با توست ای فرزند ابی‌طالب! پس اگر در آسایش و آرامش تو را به ولایت برگزیدند و با خرسندی بر تو توافق کردند، امر ایشان را به پادار و اگر بر تو اختلاف ورزیدند، آنان را [با آنچه در آن‌اند،] رها کن! »

شرط کارآمدی حکومت، انتخاب آزادانه حاکمان توسط مردم است. حضرت امیر - علیه السلام - نیز کسی را به بیعت با خویش مجبور نکردند. ایشان در نامه‌ای به طلحه و زبیر نوشتند: « وَإِنَّكُمْ مِمَّنْ أَرَادَتِي وَبَايَعْتَنِي وَإِنَّ أَلْعَمَاءَ لَمْ يَبَايَعْتَنِي لِسُلْطَانِ غَالِبٍ وَ لَا لِعِرْضِ حَاضِرٍ؛ شما به اختیار خود با من بیعت کرده‌اید و همانا مردم به خاطر سلطه غالب و یا به خاطر مال و ثروتی آماده، با من بیعت نکرده‌اند.»

#### ۷. خدمت‌گزاری

در جامعه دینی، حاکمان منتخب، پاسخ‌گوی مردم و خدمت‌گزار واقعی آنان خواهند بود. در حقیقت، مردم در این نظام محوریت ویژه‌ای برای انتخاب و به قدرت رساندن کارگزاران دارند؛ چنان‌که رهبری به این امر اشاره دارند:

«مردم سالاری هم دو سر دارد: یک سر مردم سالاری عبارت است از اینکه تشکل نظام به وسیله اراده و رأی مردم

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۴.

۱. کشف المحجّة، سید ابن طاووس، ص ۱۸۰.

صورت بگیرد؛ یعنی مردم نظام را انتخاب می‌کنند، دولت را انتخاب می‌کنند، نمایندگان را انتخاب می‌کنند...»<sup>۱</sup> در این نظام باید حاکمان برای رضایت عمومی تلاش کنند و مردم را صاحب حق و دارای کرامت و ارزش بالا بدانند و به توصیه مهم رهبر انقلاب جامه عمل بپوشانند:

«تکلیف و وظیفه مسئولان در نظام جمهوری اسلامی ایران، به کارگیری تمام توان برای خدمت به مردم است.»<sup>۲</sup> ایشان در جای دیگر می‌فرمایند:

«در مردم سالاری دینی، فلسفه مسئولیت پیدا کردن مسئولان در کشور، این است که برای مردم کار کنند؛ مسئولان برای مردم‌اند و خدمت‌گزار و امانتدار آنها هستند.»<sup>۳</sup>

«در حکومت دینی، امام به معنای پیشوا و رهبر است. مفهوم رهبر با راهنما متفاوت است؛ رهبر کسی است که جمعیتی واقعی را به دنبال خود می‌کشد و خود پیش قراول و طلایه‌دار حرکت است. تعبیر دیگر والی است؛ والی از کلمه ولایت یا ولایت گرفته شده است. ولایت در لغت به معنی پیوند و هم جوشی دو چیز است؛ ولایت یعنی اتصال دو چیز به همدیگر، به نحوی که هیچ چیز، میان آن دو فاصله نشود.»<sup>۴</sup>

#### ۸. نظارت

پس از تشکیل حکومت دینی، مردم موظف به حضور در صحنه سیاست و نظارت بر کارگزاران هستند. حضرت امیر - علیه السلام - هنگام معرفی ابن عباس به مردم بصره فرمودند:

«به او گوش دهید و فرمانش برید تا آنجا که او از خدا و رسول اطاعت می‌کند. پس اگر در میان شما حادثه‌ای (بدعتی) ایجاد کرد یا از حق منحرف

۱. مقام معظم رهبری، روزنامه اطلاعات، ۷۹/۹/۱۵.

۲. مقام معظم رهبری، کیهان، ۷۹/۸/۲۸.

۳. مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری

اسلامی، ۱۳۶۲/۱۰/۱۷، ص ۲.

۴. همان، ۱۳۸۰/۳/۱۶، ص ۲.

شد، بدانید که من او را از فرمانروایی بر شما عزل می‌کنم.<sup>۱</sup>

در این حکم، مردم ناظر و داور به عملکرد کارگزاران قرار داده شده‌اند. مردم همواره بر ولسی منصوب ناظرند تا بدعت و سیره خلاف قرآن و دستورات پیامبر - صلی الله علیه و آله - صورت نگیرد. از جلوه‌های بارز نظارت، نصیحت کردن است. برخورد خالصانه و صادقانه با حاکم، نه به معنای طرفداری محض از او و نه به معنای مخالفت مطلق با اوست، بلکه بدین معناست که اگر مردم او را عادل می‌دانند، از او اطاعت کنند و اگر او را گناهکار یا خطاکار می‌بینند، به او تذکر دهند:

« مَنْ بَصَّرَكَ عَيْبَكَ فَقَدْ نَصَحَكَ »<sup>۲</sup>

هر کسی عیب تو را به تو بنمایاند، تو را نصیحت کرده است. و « مَا أَخْلَصَ

الْمَوَدَّةَ مَنْ لَمْ يَنْصَحْ »<sup>۳</sup> هر کس نصیحت نکرد، دوستی‌اش را خالص نکرده است.

#### ۹. مشورت

حاکم برای دست‌یابی به نظرهای مردم، می‌تواند با آنان مکاتبه و مذاکره کند و یا به مشورت بنشیند. هرگاه دایره حکومت حاکم گسترش یافت و احتیاجات و تکالیف زیاد متوجه او شد، قهراً نیازمند زیاد کردن مشاوران، ایادی و عمال در دایره‌های مختلف حکومتی است.

از مهم‌ترین دلایل ضرورت مشورت حاکم با مردم و آزادی آنان در اظهار نظر، آیات و روایاتی است که در این باره آمده است، از جمله:

« وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ »<sup>۴</sup> «مؤمنان

امورشان را بر اساس شورا [و تبادل نظر] انجام می‌دهند.»

رهبر دینی در امور جامعه به مشورت می‌پردازد و با رعایت مصالح

۱. مصنفات الشیخ المفید، ج ۱، ص ۴۲۰.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد

التیمی الأمدی، ج ۵، ص ۱۷۵.

۳. همان، ج ۶، ص ۷۵.

۴. شوری / ۳۸.



و مفسد به تصمیم‌گیری نهایی می‌رسد. در این جهت، فرقی بین رهبران معصوم و غیر معصوم نیست. سیره پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - و حضرت علی - علیه السلام - در مشورت با مردم - با اینکه مصون از لغزش و خطا بوده اند - نوعی حرمت نهادن به شخصیت فکری - فرهنگی افراد بوده که مایه رشد و بالندگی اندیشه‌هاست. خداوند به پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾<sup>۱</sup> «در تصمیم‌گیریها [ی همگانی] با آنان مشورت کن!»

#### ۱۰. تأمین عدالت اجتماعی

نظام مردم‌سالاری دینی، نظامی است که بر پایه اعتقاد به عدل خدا در خلقت و تشریح قرار دارد و از این روست که بر اجرای قسط و عدل در نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پای می‌فشارد و در پی رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه

برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی برمی‌آید و اقتصادی عادلانه را جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در عرصه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، بیمه و... جستجو می‌کند و نیز می‌کوشد امنیت قضایی عادلانه را برای همگان در اقصاد نقاط کشور فراهم آورد.<sup>۲</sup>

#### ۱۱. رعایت کرامت انسانی

دین در لباس حکومت، در صدد دست‌یابی و نهادینه سازی کرامت و ارزش والای انسانی از طریق ارائه یک نظام کارآمد است. برای کارآمدی نظام، اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرائط، عنصری مهم و حیاتی است. انسان در حکومت مردم‌سالاری دینی از چنان کرامتی برخوردار است که جان، مال، حقوق، مسکن و شغل او از هر گونه تعرضی - مگر مواردی که قانون تجویز می‌کند - مصون است و همچنین با هتک حرمت و حیثیت کسی که به

۱. آل عمران / ۱۵۹.

۲. قانون اساسی، اصول ۲ و ۳.

حکم قانون دستگیر، زندانی و یا تبعید شده، به مخالفت می‌پردازد.<sup>۱</sup>

دیگر شئون کشور می‌گردد، منع می‌کند.<sup>۲</sup>

## ۱۲. ظلم ستیزی

حکومت و نظام سیاسی مردم سالاری دینی، هر گونه ستمگری، سلطه‌گری، ستم‌کشی، و سلطه‌پذیری را در دو عرصه داخلی و بیرونی نفی می‌کند. در درون، اشکال مختلف استبداد، خودکاملمگی و انحصارطلبی را مردود می‌داند و در عرصه خارجی، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب را پی می‌گیرد و استخدام کارشناسان خارجی را - در آنجا که بیم نفوذ، سلطه و ظلم آنها بر کشور اسلامی و مردم مسلمان می‌رود - نمی‌پذیرد و حتی می‌کوشد از سلطه اقتصادی بیگانه بر امور مالی و تولیدی کشور جلوگیری کند و در ابعاد سیاست خارجی، هر گونه قراردادی را که موجب سلطه بیگانه ستمگر بر منافع طبیعی، اقتصادی، فرهنگ، ارتش و

## ۱۳. اعتدال اقتصادی

اعتدال چون نقطه موزون و پایدار در ساختار نظام دینی است، هر انسان سلیم‌النفس و بی‌غرضی را جذب می‌کند؛ البته اعتدال در سایه عدالت تحقق می‌یابد و اگر عدالت نباشد، اعتدال معنا پیدا نمی‌کند. از این رو، در نظام اقتصادی یک حکومت مردم‌سالار دینی، اقتصاد بر سه بخش: تعاونی، خصوصی و دولتی قرار دارد و دولت موظف خواهد بود ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت و... را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن صاحب حق، آن را به بیت‌المال بسپارد.<sup>۳</sup>

## ۱۴. توسعه اجتماعی

تمامی نظامهای سیاسی، بر پایه مبانی تئوریک نظری و اعتقادی خود، الگو و مدل اجرایی توسعه اجتماعی-

۲. همان، اصول ۲، ۳، ۴۳، ۱۵۳.

۳. همان، اصول ۴۴، ۴۹.

۱. همان، اصول ۲، ۲۲، ۳۹.

شان را به صورت تک بعدی و تک ساختی پی‌ریزی کرده‌اند؛ یا صرفاً به رفاه مادی و افزایش بازدهی خدمات رسانی رفاهی و لجستیکی پرداخته‌اند و از ابعاد و زوایای ارتقاء معنویت و آرامش روانی بازمانده‌اند، یا به آزادی فردی پرداخته‌اند و از عدالت اجتماعی بهره نبرده‌اند.

اما اسلام که مبتنی بر معارف حقه است، مبنای توسعه اجتماعی را بر مدل و الگوی توسعه متوازن و همه جانبه و به صورت ترکیبی از تأمین نیازهای مادی و معنوی، آزادی توأم با عدالت اجتماعی، عدالت توأم با مردم سالاری دینی و... قرار داده است.<sup>۱</sup>

#### واپسین کلام

با توجه به شاخصه‌ها و ویژگیهای مردم سالاری دینی، از آنچه گذشت بر سر می‌آید که مردم در نظام اسلامی در سه عرصه: تشکیل، تداوم و اعمال فرمانروایی، نقش کلیدی دارند. اساساً

۱. فصلنامه مطالعات سیاسی، سال اول، ش ۴،

مناسبات مردم و حکومت در نظام اسلامی بر پایه رعایت حقوق متقابل است. در این نظام، جایگاه مردم و پاسداشت حقوق فردی و اجتماعی آنان از سوی حاکمیت اسلامی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مورد توجه است.

بر اساس منطق دینی، مردم صاحبان حق و حاکمیت هستند و پاسداری از حرمت انسانی - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - بر حکومت امری بایسته و ضروری است. سیاستهای حاکم در یک جامعه اسلامی بر محور مدارا، محبت و هدایت می‌چرخد. در نتیجه، با رضایت عامه مردم، آنها می‌توانند در شرایط سخت و ناگوار و در تنگناها، نقطه اتکاء حکومت باشند.

در این نظام برای هیچ طبقه‌ای امتیاز خاصی تعلق نمی‌گیرد و توجه به حقوق مالی مردم و توزیع عادلانه امکانات عمومی و ثروتهای همگانی ارزشمند است. بر این اساس، شکاف عمیق معیشتی و دسته بندی اقلیت برخوردار و اکثریت محروم دیده نمی‌شود.

در حکومت دینی مردم، با سخن گفتن و انتقاد کردن، افزون بر بهره گرفتن از حق مسلم سیاسی - اجتماعی خود و دست یافتن به احساس آرامش و تخلیه روانی، زمینه رفتارهای ناهنجار اجتماعی را نیز بر می‌چینند.

در این نظام، ارتباط تنگاتنگ و دوستانه‌ای میان دولتمردان و مردم برقرار خواهد شد. افزودن بر این، مردم در نظام اسلامی موظف‌اند که بر فعالیتهای زمامداران نظارت کنند و کاستیهای نظام اسلامی را از بین ببرند. در این صورت است که با همدلی و مشارکت مردم و حکومت، در عرصه‌های اجرایی، تقنینی و قضایی، از نفوذ آسیبهای اجتماعی، جلوگیری می‌شود و جامعه اسلامی، پویایی و بالندگی خود را حفظ خواهد کرد.

در پایان، به طور خلاصه محورهای ذیل که می‌تواند از اهم شاخصه‌های

حکومت دینی باشد، ذکر می‌شود:  
الف. حاکمیت به طور ذاتی از خداوند سبحان است که بر تمام هستی مالکیت تام دارد؛

ب. حاکمیت خداوند در جوامع بشری، به اولیای الهی واگذار شده است و پس از آن مجتهدان جامع الشرائط این وظیفه سنگین را بر عهده دارند؛

ج. ارزشهای دینی بر تمامی گستره حکومت حاکم است و مردم در همان چارچوب فعالیت می‌کنند؛

د. انتخاب حاکم اسلامی در چارچوب ضوابط دینی حق مردم است و افزون بر این، حق مشورت در تصمیم‌گیری و نظارت بر عملکرد کارگزاران برای آنان محفوظ است؛

ه. مناسبات و روابط جامعه و حکومت بر پایه اعتماد، همکاری و رعایت حقوق متقابل استوار است.